

اشتغال زن و نقش اجازه شوهر در آن^۱

دکتر گودرز افتخار جهرمی*

مجید داودی**

چکیده:

با وقوع ازدواج، رابطه‌ی زوجیت بین زن و مرد به وجود آمده و بدین طریق نهاد خانواده شکل می‌گیرد. همچنین با ایجاد این عقد طرفین در مقابل یکدیگر از حقوق و تکالیفی برخوردار می‌شوند که ممکن است در آغاز و یا در ادامه‌ی زندگی مشترک بین برخی از این حقوق و تکالیف تراحم به وجود آید. یکی از مصادیق این تراحم در ارتباط با اشتغال زن می‌باشد چرا که لازمه‌ی اشتغال به ویژه اشتغال در خارج از خانه، خروج زن از منزل است در حالی که خروج زن از منزل ممکن است با تمکین او از شوهر و حفظ مصالح خانواده مغایرت پیدا کند. البته چنانچه بین زن و شوهر در خصوص اشتغال زن، توافق وجود داشته باشد، مشکلی متوجه آنان و خانواده نخواهد بود اما اگر شوهر با اشتغال زن مخالفت نماید، حل این مشکل می‌بایست با مراجعه به قانون، موازین فقهی و عرف صورت پذیرد. اگرچه قانون اساسی و قانون مدنی اصل آزادی اشتغال زن را پذیرفته‌اند اما تعیین محدودیت‌هایی در قانون مدنی، سبب شده تا در عمل، اصل مذکور با مخاطراتی مواجه شود که این مقاله به این اصل و محدودیت موضوع می‌پردازد.

کلیدواژه: اشتغال، زن، اجازه شوهر، آزادی.

۱- تاریخ وصول: ۸۹/۹/۲۱ تاریخ پذیرش: ۹۰/۷/۱۴

* استاد حقوق خصوصی دانشگاه شهید بهشتی تهران

** دانش آموخته دوره دکتری حقوق خصوصی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران و عضو

هیأت علمی گروه حقوق خصوصی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قائم شهر majiddavoodi@qaemshahriau.ac.ir

۱- مقدمه

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصول متعددی، اصل آزادی اشتغال برای همگان را به رسمیت شناخته و دولت را موظف نموده است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون، برای همه افراد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی جهت احراز مشاغل ایجاد نماید. همچنین دولت موظف شده حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین نماید (اصول ۲۱، ۲۸، ۴۳ قانون اساسی).

با این حال اگرچه قانون اساسی، اصل آزادی اشتغال را نسبت به همه‌ی آحاد جامعه پذیرفته است اما در قانون مدنی این اصل نسبت به اشتغال زن با محدودیت‌هایی همراه شده است. ماده‌ی ۱۱۱۷ قانون مدنی مصوب ۱۳۱۳ به شوهر اجازه داده است که مانع اشتغال زن به حرفه یا صنعتی شود که منافی مصالح خانوادگی یا حیثیت مرد یا زن باشد. علاوه بر آن ماده‌ی ۱۸ قانون حمایت خانواده مصوب سال ۱۳۵۳ نیز همین حق را برای مرد به رسمیت شناخته است.

حال با توجه به مراتب فوق و اینکه تضمین حقوق زن مقید به رعایت موازین اسلامی است و در موازین اسلامی نیز محدودیت‌هایی در زمینه حق زن از حیث متابعت از نظر شوهر وجود دارد، حق اشتغال زن با توجه به این قیود و دیدگاه‌های فقها و النهایه نظر مقنن قابل بررسی است.

۲- آیات و روایات

در قرآن کریم آیه‌ای که در خصوص کار زن حکمی بیان نماید، دیده نشده است، اما این مسأله به منزله نفی حضور زن در عرصه‌های اجتماعی نیست به‌ویژه اینکه از سیاق برخی آیات، چنین استنباط می‌شود، تمام قضایای عام در دین اسلام، مشترک بین زن و مرد است. خداوند در بسیاری از آیات خود به هر دو جنس مرد و زن نظر دارد. از جمله می‌توان به آیه‌ی ۷۰ سوره توبه اشاره کرد که در آن هرچه صفت عمل صالح بر آن صدق می‌کند زن را نیز در نظر داشته است و یا در آیه‌ی ۱۰ سوره جمعه می‌فرماید: «فاذا قضیت الصلوه فانتشروا فی الارض و ابتغوا من فضل الله و ذکرو الله کثیراً لعلکم تفلحون». مراد از انتشار در زمین مشغول شدن به کارهای روزانه برای به-دست آوردن فضل خدا یعنی رزق و روزی است (طباطبائی، تفسیر المیزان، ۱۹، ۵۵۳). همچنین در

آیه ۶۱ از سوره‌ی هود می‌فرماید: «هوانشاءکم من الارض و استعمرکم فیها» او خدایی است که شما را از خاک آفریده و برای آبادانی زمین برگماشت.

با دقت در این آیات معلوم می‌شود که آیات فقط به مردان خطاب نمی‌کند بلکه همه‌ی انسان‌ها از جمله زنان مخاطب آیات مذکور هستند.

علاوه بر آن در آیه ۶۵ سوره حج و آیه ۲۰ سوره لقمان جایی که مقرر شده خداوند زمین را در دسترس بشر قرارداده تا بشر در آن کار کند و از آن ثروت استخراج کند، دلالت بر روا بودن کار زن در جهت تحصیل رزق از آن محل‌هایی که خداوند برای بنی آدم مسخر نموده است (شمس-الدین، حقوق الزوجیه، ۱۹۵).

سمت‌های اجتماعی مسلمانان در زمان حیات پیامبر اسلام (ص) و یکی دو سده‌ی پس از آن نیز نشان از حضور فعال زنان در عرصه‌های مختلف اجتماعی دارد که لازمه‌ی آن اشتغال زن است. در این باره روایاتی از بزرگان دین، نقل شده که برخی به طور عام به کسب روزی حلال در جهت تأمین نیازهای خانواده اشاره دارد از جمله در روایتی نقل شده که حضرت رسول اکرم (ص) فرموده‌اند: «طلب الحلال فریضه علی کل مسلم و مسلمه (مجلسی، بحار الانوار، ۲۳، ۶)»

علاوه بر آیاتی که بر وجوب کسب و تلاش هر یک از زن و مرد برای تأمین معاش به نحو عام دلالت دارد روایاتی از بزرگان دین وارد شده‌است که اختصاصاً اشتغال زن را مورد ترغیب قرار داده‌اند از آن جمله است روایت کلینی از عده‌ای از اصحاب که در آن حضرت رسول (ص) به زینت عطر فروش توصیه نمود: «هرگاه خواستی چیزی را بفروشی پس نیکو کن و کلاهبرداری نکن.» سند این روایت را حُسن دانسته و ظهور روایت را نیز حمل بر مشروعیت اشتغال زنان حتی در صورت اختلاط با مردان بیان کرده‌اند (شمس‌الدین، منبع پیشین، ۲۰۴).

همچنین در روایتی از حضرت علی (ع) که بر ام‌الحسین گذشت و وی را در حال ریسندگی دید، فرمودند: آن حلال‌ترین کسب است (همان، ۲۰۴).

با این وجود، روایاتی نیز مبنی بر منع و نهی زنان از مشاغل دیده می‌شود به گونه‌ای که حتی برخی فقها از این روایات حکم عام ممنوعیت اشتغال زن را استنباط نموده‌اند. از جمله روایتی از پیامبر اسلام (ص) نقل شده که فرمودند: «بهترین زنان شما زنی است که گفتار شوهر را گوش



کند و فرمان او را اطاعت نماید» (هادوی تهرانی، ضوابط شرعی اشتغال زنان، ۲۷). از این روایت چنین استنباط می‌شود که چون معمولاً اطاعت از فرمان شوهر ناظر به عدم خروج از منزل است و عدم خروج از منزل سبب می‌شود که زن نتواند به کاری اشتغال ورزد پس روایت در معنا و شمول عام خود به ممنوعیت اشتغال زن توجه دارد.

۳- نظرات فقها در خصوص اشتغال زن

موضوع اشتغال زن در خارج از خانه مورد اختلاف بین فقها بین می‌باشد. به گونه‌ای که برخی بر جواز اشتغال زن نظر داشته و عده‌ای نیز بر ممنوعیت اشتغال زن معتقدند، قائلین به جواز اشتغال زن بر این عقیده‌اند که در اسلام، زن از هیچ شغلی منع نشده و اسلام همیشه زن را به حضور در فعالیت‌های اجتماعی و بر عهده گرفتن وظایف و مناصب بالای اجتماعی فرا می‌خواند و واگذاری مناصبی به زنان در زمان صدر اسلام نشانگر تأیید حق کار برای زنان بوده است. مثلاً شفا، دختر ابی سلیمان، عهده‌دار امور مالی و دارایی بازار مدینه بود و هر زمان عمر وارد بازار می‌شد، شفا نیز به دنبال او بود (القاسمی، نظام الحکم فی الشریعه و التاریخ الاسلامی، ۲۵).

تأیید و تشویق حضرت رسول (ص) بر اشتغال زنان و تأثیر حضور زن در مشاغل مختلف و تداوم این وضع در چند دهه بعد از ظهور اسلام سبب گردید که برخی فقها نظرات قاطع و صریحی در باب اشتغال زن ارائه دهند. فقهای مذهب جعفری با صحنه بر اشتغال زن، نظر داده‌اند که اگر زن برای خدمت در مدت معینی تعهد به اجاره دادن توان خویش نماید و پیش از انقضای این مدت ازدواج کند، اجازه و تعهد باطل نیست حتی اگر خدمت، منافی بهره‌جویی شوهر و حق زناشویی باشد و در این حکم تفاوتی نیست که شوهر در هنگام ازدواج تعهد زن را بداند یا نداند. این رأی را صاحب کتاب الفقه علی المذاهب الخمسه از سید یزدی که در عروه الوثقی و سید حکیم در مستمسک نقل کرده‌اند، آورده است (مغنیه، الفقه علی المذاهب الخمسه، ۴، ۳۶۵). ابوحنیفه از بزرگان مذهب حنفی ضمن موافقت با اشتغال زن با قضاوت زنان هم نظر موافق دارد و ابن جریر طبری نیز صریحاً اعلام داشته است که اگر زن حرفه‌ای مثل مامایی داشته باشد حتی اگر شوهر اذن هم ندهد بر او واجب کفایی است و شوهر نمی‌تواند مانع خروج او شود و ی همچنین قضاوت





زنان را در تمامی احکام می‌پذیرد (الموردی، الاحکام السلطانیة، ۶۵).

در مقابل گروهی از فقها بطور مطلق کار زن را نهی نموده و معتقدند که آشکارا معلوم است که زنان نمی‌توانند کسب و کار کنند زیرا موجب فتنه و فساد است و بیرون رفتن از خانه بستگی به اجازه شوهر دارد؛ مگر این که پدر و مادر زن بیمار باشد و زن بخواهد به عیادت آنها برود و در سایر موارد اگر زن بدون اجازه از خانه بیرون رود، ناشزه محسوب می‌شود (السرخسی، المبسوط فی الفقه، ۵، ۱۸۵).

برخی نیز بر این باورند در نظام فطرت، مرد بر زن برتری دارد و از این رو نبایستی با کار زنان موافقت صورت گیرد چه در غیر این صورت موافقت با کار زن، مخالفت با دستور خداست و فطرت می‌طلبد که زن به بارداری، شیردهی، نگهداری فرزندان و کارهای خانه بپردازد (رشید رضا، حقوق النساء فی الاسلام، ۳۷). در بررسی اقوال این عده از فقها، عمده‌ترین دلیل ممنوعیت زن از کار را در دو امر ذکر کرده‌اند.

اول اینکه اشتغال زنان موجب اختلاط با مردان بیگانه است و این از نظر اسلام مورد منع شدید قرار گرفته و خواسته شده از کار زنان به جهت اختلاط آنان با مردان بیگانه جلوگیری شود چرا که این موضوع زن و مرد را در معرض نابودی و از بین رفتن حدود شرعی قرار می‌دهد (شمس‌الدین، حقوق الزوجیه، ۲۱۸). دوم اینکه بیرون رفتن زن از خانه موجب نادیده گرفتن وظیفه‌ی مهم دیگر وی یعنی شوهرداری و بچه‌داری می‌گردد در این صورت بدیهی است که در تضاد بین این دو امر حق اولی که برای زن ایجاد گردیده بایستی در اولویت قرار گیرد. مضافاً روشی که پسندیده و مقبول اسلام است، این است که زن در خانه بماند چرا که مقتضای زندگی خانوادگی است و لازمه‌ی آن نهی زن از کار در خارج از خانه است (هادوی تهرانی، ضوابط شرعی اشتغال بانوان، ۲۷).

با توجه به آنچه گفته شد، نظرات موجود در خصوص اشتغال زن را می‌توان در سه مورد خلاصه کرد:

۳-۱- موافقین با اشتغال زن به صورت مطلق

بر اساس نظر این گروه اشتغال زن مباح و مشروع است زیرا به طور کلی با تأسی از آیات

قرآن حق هر کاری برای زن مجاز و مشروع دانسته شده و مطابق صریح آیاتی که در آن برای زنان نصیبی برابر با مردان در انجام کارهایشان لحاظ نموده، این امر یک حق مسلم و طبیعی قلمداد گردیده که بدون هیچ قید و شرطی قابل احراز است. به نظر این عده اسلام دستور خانه نشینی و عدم مشارکت زنان را صادر نکرده و مخالفتی با کار زنان ندارد.

علاوه بر آن در کلام و سیره پیامبر و امامان معصوم نیز حرف صریحی در باب ممنوعیت اشتغال زنان نیامده است، پس زن باید در مقررات اساسی مملکت دخالت کند نه اینکه در خانه بنشیند و از آن بیرون نیاید و لذا شغل برای زن هیچ منعی ندارد (موسوی الخمینی، زن از دیدگاه حضرت امام، ص ۸۸).

۲-۳- موافقین به اشتغال زن به صورت مقید

مطابق این نظر اشتغال زن به صورت مشروط، مجاز و مباح است. معتقدین به این معیار می-گویند، اولین کار زن مادر بودن و تربیت فرزندان است و هر کاری که این عمل را تحت الشعاع قرار ندهد، مجاز و مشروع است لیکن قوانین کار باید تسهیلاتی برای زنان در نظر بگیرد که کار بیرون از منزل آسیبی به وظیفه مادری آنان وارد نسازد (یزد خواستی، زنان و تغییرات اجتماعی، ۱۴۹). در هر حال زنان باید فعالیت اجتماعی خود را با حفظ جنبه‌ی مادری انجام دهند. این گروه ضمن اعتقاد به مشروعیت عمل زن، کانون خانواده را بیش از هر چیزی مقدس شمرده و به زنان توصیه می‌کنند که خانواده را در اولویت قرار دهند و سپس به وظایف اجتماعی خود بپردازند. بنابراین حق انتخاب شغل برای زنان همیشه مطلق نیست و گاهی مشروط می‌شود، لیکن انتخاب شغلی که با شوونات زن منافات دارد، ممنوع است.

۳-۳- مخالفین با اشتغال زن

برابر نظر این گروه، زنان از اشتغال به هر کاری ممنوع می‌باشند. قائلین به این دیدگاه اشتغال زن را نه تنها موجب فساد اخلاقی در جامعه می‌دانند بلکه همچنین معتقدند که اشتغال زن به دلیل این که در خانه مخارجی بر عهده او نیست، روا نمی‌باشد. وقتی مرد برای گذران زندگی کار می‌کند، زن دیگر احتیاجی به کار ندارد و در مقابل این همه رنج، زنان باید در خانه بمانند و کار منزل را عهده‌دار شوند (سامی، روزنامه اطلاعات، ۱۵).

۴- قانون مدنی و اشتغال زن

قانون مدنی اشتغال زن را در فصل مربوط به حقوق و تکالیف زوجین مورد توجه قرار داده است. بنابراین حکم قانون مدنی در خصوص اشتغال زن با نگاه و توجه به حقوق و تکالیفی است که زوجین در مقابل یکدیگر دارند در این ارتباط ماده‌ی ۱۱۱۷ ق.م. چنین مقرر می‌دارد: «شوهر می‌تواند زن خود را از حرفه یا صنعتی که منافی مصالح خانوادگی یا حیثیت خود یا زن باشد، منع کند.»

حسب ماده‌ی مذکور زنی که کار می‌کند بایستی اولاً کار او مخالف با مصالح خانواده نباشد و ثانیاً؛ با حیثیت زن یا شوهر منافات نداشته باشد. متأسفانه قانون مدنی ضابطه‌ی روشنی در این که چه شغلی با مصالح خانواده منافات دارد، ارائه نداده است. بدین ترتیب داوری را به عرف ارجاع داده است مثلاً عرف اشتغال زن در رختشوی خانه را درحالی که شوهر او یا خود زن از خانواده‌ای با موقعیت اجتماعی و فرهنگی مناسب باشد مغایر با مصالح خانوادگی می‌داند، علاوه بر آن اموری چون سستی بنیان خانواده که تلاش در جهت تحکیم آن مطابق ماده‌ی ۱۱۰۴ ق.م. از وظایف زوجین دانسته شده است و نیز اختلال در تربیت فرزندان که مطابق ماده‌ی ۱۱۶۸ همین قانون، حق و تکلیف ابویین ذکر گردیده است، می‌تواند ضابطه‌ی این تشخیص باشد. همچنین معیار تنافی شغل زوجه با حیثیت شوهر یا زن مشخص نیست از این رو ممکن است شغل از مشاغل مشروع باشد ولی در عین حال با مصالح خانواده یا حیثیت زوجین ناسازگار باشد. با این حال بنابر نظر حقوقدانان نمی‌توان چارچوب معینی را برای تشخیص حکم مندرج در ماده‌ی ۱۱۱۷ ق.م. بیان نمود و معیارهای ذکر شده در همه عرف‌ها و اشخاص یکسان نیست و اخلاق عمومی و وضع خاص هر خانواده در این داوری مؤثر است (کاتوزیان، حقوق مدنی خانواده، ۱، ۲۳۳). درخصوص مرجع تشخیص مغایرت شغل زن با مصالح خانواده و حیثیت زوجین، قانون مدنی، مرد را تنها قاضی تشخیص آن دانسته است اما باتصویب ماده‌ی ۱۵ قانون حمایت خانواده مصوب سال ۱۳۴۶ و نیز ماده‌ی ۱۸ همین قانون در سال ۱۳۵۳ قانونگذار اختیارات مرد را در خصوص حق اشتغال محدود نموده و آن را به نظر دادگاه واگذار کرده است و در قوانین فعلی ایران ناسخی برای این حکم دیده نمی‌شود و نظر شورای نگهبان به غیر شرعی بودن برخی از مواد این قانون، شامل این



مواد نمی‌شود (مهرپور، مباحثی از حقوق زن، ۳۹). با این وجود، عده‌ای بر این قولند که خروج زن از خانه به هر دلیلی که باشد؛ باید با موافقت شوهر صورت گیرد و لذا مبنای حکم مذکور حکم شرعی نیاز زن به اذن از شوهر در خروج می‌باشد (طاهری، حقوق مدنی، ۵، ۲۱۴). عده‌ای نیز معتقدند که قانونگذار ایران در وضع ماده‌ی ۱۱۱۷ قانون مدنی، حکم شرعی مذکور در ماده‌ی ۱۱۰۵ این قانون را ملاک دانسته که ریاست خانواده را امری ذاتی برای شوهر قلمداد نموده به تبع آن، دخالت در برخی امور زن از سوی مرد از جمله حق اشتغال، بوجود می‌آید (صفایی، دوره مقدماتی حقوق مدنی، ۱، ۱۱۵). به نظر می‌رسد که مبنای وضع این ماده را می‌بایست از مجموع مواد و مقررات مربوط به حقوق و تکالیف زوجین یعنی فصل هشتم از باب اول کتاب هفتم قانون مدنی مشتمل بر مواد ۱۱۰۲ الی ۱۱۱۹ که ماده‌ی ۱۱۱۷ را نیز در خود گنجانده است، جستجو کرد. یعنی؛ هم باید به خصیصه‌ی ریاست شوهر بر روابط زوجین مندرج در ماده‌ی ۱۱۰۵ توجه کرد هم به تکلیف شوهر به پرداخت نفقه که از آثار و نتایج ریاست شوهر است، توجه نمود و هم به ضرورت تمکین زن از شوهر مندرج در ماده‌ی ۱۱۰۸ این قانون نگاه کرد. با این حال اختیاری که ماده‌ی ۱۱۱۷ به شوهر داده است، ناظر به وضعیت عادی زندگی مشترک است که در آن مرد به تعهدات قانونی و شرعی خود در مقابل زن عمل می‌کند. با توجه به مراتب مذکور، چند پرسش در این خصوص مطرح می‌شود: پرسش نخست، اثبات موضوع تنافی یا عدم تنافی اشتغال زوج با مصالح خانواده بر عهده کدامیک از زوجین است؟ عده‌ای با اعتقاد به نسخ قانون حمایت خانواده از جمله ماده‌ی ۱۸ این قانون و بر مبنای ماده‌ی ۱۱۱۷ قانون مدنی بر این باورند که آنچه از قانون مدنی استفاده می‌شود، آن است که تشخیص موضوع با شوهر است و لذا هرگاه زن به دستور شوهر اعتنایی نکند بایستی به دادگاه مراجعه و ثابت کند که ادامه کار وی با مصلحت خانواده یا حیثیت وی یا شوهرش مخالف نیست (عراقی، آیا می‌دانید حقوق زن در زمان ازدواج چیست؟، ۱۰۰). در مقابل، عده‌ای نیز بر این عقیده‌اند که در این موارد شوهر بایستی به دادگاه مراجعه و با اقامه‌ی دعوی و اثبات تنافی، منع زوجه را از اشتغال درخواست کند (میر خانی، گستره‌ی وظایف زن در قانون مدنی، ۸). به نظر می‌رسد که بر خلاف عقیده‌ی گروه اول، نحوه‌ی بیان قانون مدنی در تعیین شروط ممانعت از اشتغال زوجه از سوی زوج مؤید آن است که مرد بایستی تنافی

اشتغال زوجه را اثبات نماید. پرسش دوم، آیا زن نیز حق دارد منع اشتغال همسرش را به لحاظ مخالفت با حیثیت خود و خانواده درخواست کند یا خیر؟ این موضوع تا قبل از تصویب قانون حمایت خانواده در سال ۱۳۵۳ مورد توجه نبوده و شوهر مطابق قواعد سنتی و بافت قدیمی جامعه ایران، دارای اختیارات کامل بوده است. اما با تصویب قانون مذکور، حق منعی نیز برای زوجه جهت بازداشتن همسر خود از شغلی که منافی مصالح خانوادگی یا حیثیت زن یا خود شوهر است، بوجود آمد. اما لحاظ چنین حقی برای زن در ماده‌ی ۱۸ قانون یاد شده مشروط است به اینکه توقف و تعطیل کار شوهر اخلاص در وضع معیشت خانواده ایجاد نکند. پیش‌بینی شرط مذکور با اقبال چندانی مواجه نشده و گفته شده که قرار دادن حق منع متقابل به این نحو که بوسیله‌ی حق شرطی مقید گردد در واقع همان نگرش یک بام و دو هواست (منوچهریان، نابرابری‌های حقوقی زن و مرد در ایران و راه اصلاح آن، ۷۶). اما به نظر می‌رسد که این اعتراض با توجه به تکلیف شوهر در تأمین نفقه همسر و فرزند، چندان قابل پذیرش نباشد و اما پرسش سوم، آیا حکم مندرج در ماده‌ی ۱۱۱۷ قانون مدنی یک حکم الزامی شرع است و یا دارای جنبه‌ی تفسیری است و توافق بر خلاف آن جایز است؟ در پاسخ به این پرسش بین حقوقدانان اختلاف نظر وجود دارد. عده‌ای اظهار می‌دارند که توافق بر خلاف آن مؤثر نیست چراکه اختیار شوهر راجع به منع زن یک حق فردی نیست تا شوهر بتواند ضمن عقد نکاح از آن صرف نظر نماید بلکه اختیاری است که در راه مصلحت خانواده به او داده شده است (صفایی، امامی، مختصر حقوق خانواده، ۱۳۲). عده‌ای هم پا را فراتر نهاده و اعتقاد دارند که اگر شغل زن مخالف مصالح و حیثیت خانواده هم نباشد، باز حق منع برای شوهر مطابق این ماده وجود دارد و حکم ماده، یک قاعده آمره و یک حکم الهی است و قابل اسقاط نمی‌باشد (طاهری، حقوق مدنی، ۲۱۵).

در مقابل عده‌ای هم بر این عقیده‌اند که معنای اذنی که در این ماده برای شوهر قرار گرفته، یک اذن مطلق نیست، بلکه بدین معناست که اگر مرد راضی نبود و برای عدم رضایت خود دلیلی منطقی داشت، زن از خانه خارج نشود و اگر شوهر بدون دلیل زن را از حق خروج از خانه یا اشتغال منع کند، دادرس و حاکم این قدرت و توانایی را دارند تا در مقابل شوهر بایستند (غروی‌ان، زن در کشاکش سنت و مدرنیته، ۱۰۲). با این حال به نظر می‌رسد حکم ماده‌ی ۱۱۱۷ ق.م. با



توجه به صراحت قانون و همچنین ماده‌ی ۱۸ قانون حمایت خانواده و نیز نظریه‌ی شماره‌ی ۲/۹۹۷ مورخ ۶۱/۸/۲ اداره حقوقی قوه قضاییه دایر بر اینکه شوهر می‌تواند در همه موارد از حق قانونی خود استفاده نماید و این حکم دارای عموم و اطلاق است، نشانگر غیرقابل اسقاط بودن این حق و به عبارتی جنبه امری داشتن آن است. با این وجود در این که آیا ممکن است به هنگام ازدواج، زوجه تداوم کار خویش را بر زوج شرط نماید یا خیر؟ نیز محل بحث است. برخی را اعتقاد بر این است که اختیار مرد در خصوص منع یک قاعده آمره است و هر جا مصلحت باشد قابل اعمال است و لذا شوهر می‌تواند با تأیید دادگاه از اشتغال زن جلوگیری کند، حتی اگر ضمن عقد نکاح با ادامه آن کار موافق باشد، چون این شرط را باید اصولاً یک شرط نامشروع و باطل تلقی کرد (صفایی، امامی همان منبع، ۱۳۲). اما در آثار برخی دیگر آمده است که با عنایت به اصول بیستم و بیست و یکم قانون اساسی و با لحاظ ماده‌ی ۱۱۱۷ ق.م. چنانچه چه زوجه ضمن عقد، اشتغال یا عدم اشتغال خود را شرط کند، و زوج هم پذیرفته باشد، در این صورت حق جلوگیری از شغل همسر خود را ندارد (پزنده، حقوق و وظایف زوجین در فقه شیعه، ۱۴۱). اما در همین ارتباط عده‌ای نیز افزوده‌اند که چنانچه شوهر به علت مصلحت خانوادگی اعم از مصلحتی که بعد از عقد ایجاد شده یا مصلحتی که در زمان عقد وجود داشته ولی بنا به دلایلی مورد توجه قرار نگرفته، خواستار عدم اشتغال زن شود با تأیید دادگاه می‌تواند از کار زن جلوگیری نماید (عراقی، آیا می‌دانید حقوق زن، ۱۰۱). علیرغم اختلافات موجود در خصوص درج شرط اشتغال به هنگام عقد نظر غالب، حکم به صحت چنین شرطی است، زیرا زوج و زوجه با تراضی بر چنین امری توافق نمودند و زوجه با همین شرط راضی به ازدواج شده و اگر قرار باشد چنین شرطی فاقد اعتبار بوده و با مخالفت زوج مواجه گردد، پس معلوم می‌شود که هدف زوج فریب زوجه و ترغیب او به ازدواج با خود بوده است که در این وضعیت زن می‌توانست به نحو دیگری برای زندگی خود تصمیم بگیرد. در عین حال می‌توان افزود که با توجه به ماده‌ی ۱۱۱۹ ق.م. مبنی بر معتبر دانستن شروط ضمن عقد ازدواج و نیز مصوبه شورای عالی قضایی در سال ۱۳۶۲ و استفاده از شروط ضمن عقد در سند نکاحیه با لحاظ شرایط قانونی مذکور در ماده‌ی ۱۱۱۹ ق.م. درج چنین شرطی در ضمن عقد ازدواج معتبر باشد. بنا به مراتب مذکور و نظر به اختلاف نظرهایی که راجع به ممانعت شوهر از

اشتغال زن وجود دارد بهتر است که ماده‌ی ۱۱۱۷ قانون مدنی با اصطلاحاتی همراه شده و با ترکیب اصل آزادی اشتغال زن محدودیت‌های اشتغال زن را منحصر به وجود و اثبات شرایط خاص در دادگاه نماید، علاوه بر آن دولت نیز می‌تواند با وضع قوانین خاص و در نظر گرفتن وظایف خاص زن در زندگی مشترک و نگهداری فرزند ضمن فراهم آوردن زمینه اشتغال زنان، در تحکیم مبانی خانوادگی و استحکام خانواده نیز که هر دو از وظایف دولت به شمار می‌آید، نقش‌آفرینی کند.

۵- نتیجه‌گیری

علیرغم این که فقها در خصوص اشتغال زن، نظرات متفاوتی بیان نموده‌اند و حتی برخی فقها به آزادی اشتغال زن نیز فتوا داده‌اند اما به نظر می‌رسد، قول مشهور فقها بنا به دلایلی که ذکر شد، به ویژه حفظ مصالح خانواده، منع و مخالفتی با اشتغال زن در بیرون از خانه باشد.

با این وجود فقهای معاصر با لحاظ شرایط فعلی خانواده و جامعه به موافقت با اشتغال زن گرایش بیشتری دارند. اما از منظر قانون موضوع کمی متفاوت است. زیرا قانون اساسی که از اصل آزادی اشتغال برای همگان سخن گفته، نگاهی برابر بین زن و مرد دارد، بدین ترتیب تمایزی بین اشتغال زن و مرد قائل نشده است. اما در نحوه بیان قانون مدنی مغایرت اندکی با قانون اساسی دیده می‌شود. زیرا اگرچه این قانون به طور ضمنی اصل آزادی اشتغال زن را پذیرا شده است لیکن به زوج اجازه داده است تحت شرایطی با شغل زن مخالفت نماید و همین امر سبب بروز تفسیرها و تعبیرهای متفاوتی از اصل آزادی اشتغال زن در نزد حقوقدانان گردیده است. اما باید توجه داشت قانون مدنی به زوج اجازه مخالفت با اشتغال زن بطور کلی را نداده است بلکه به وی اجازه داده است تا با شغل معین زن آن هم تحت شرایطی که شغل با مصالح خانوادگی و شؤون زن یا مرد منافات داشته باشد، مخالفت نماید و علاوه بر آن باید ادعای خود را در محکمه ثابت نماید. بدین ترتیب باید بین مخالفت شوهر با اصل آزادی اشتغال زن و مخالفت وی با شغلی که زن در راستای اعمال اصل مذکور به آن روی آورده قائل به تمیز و تفکیک شد.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم.



۲. پزنده، زهرا، حقوق و تکالیف متقابل زوجین در فقه شیعه، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، تهران، ۱۳۷۰ ش، چاپ اول.
۳. رشید رضا، محمد، حقوق النساء فی الاسلام، المكتبه الاسلامی، بیروت، ۱۹۷۸ م.
۴. السرخسی، محمدبن احمد، المبسوط فی الفقه، چاپ السعاده، قاهره. ۱۳۲۴ هـ
۵. شمس‌الدین، محمد مهدی، حقوق الزوجیه، الكتاب الثالث و الرابع، مؤسسه الدولیه- للدراسات و النشر، بیروت، ۱۹۹۶ م، چاپ اول.
۶. صفایی، حسین و امامی، اسدالله، مختصر حقوق خانواده، نشر دادگستر، تهران، ۱۳۷۶ ش، چاپ اول.
۷. صفایی، حسین، دوره مقدماتی حقوق مدنی، جلد ۱، نشر میزان، تهران، ۱۳۷۹ ش، چاپ اول.
۸. طاهری، حبیب‌الله، حقوق مدنی، جلد ۳، انتشارات اسلامی، بی‌تا.
۹. طباطبایی، سید محمد حسین، تفسیر المیزان، جلد ۱۹، مرکز نشر فرهنگی رجاء، بی‌تا، چاپ اول.
۱۰. عراقی، عزت‌الله، آیا می‌دانید حقوق زن در زمان ازدواج چیست؟ نشر راهنما، ۱۳۶۹ ش، چاپ دوم.
۱۱. غروی‌ان، محسن، زن در کشاکش سنت و مدرنیته، فصلنامه شورای فرهنگی و اجتماعی زنان، شماره ۱۲، ۱۳۸۰ ش.
۱۲. القاسمی، ظاهر، نظام الحكم فی الشریعه و التاریخ الاسلامی، دارالنفایس، بیروت، ۱۹۷۸ م
۱۳. کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی خانواده، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۸ ش، چاپ پنجم.
۱۴. الماوردی، ابوالحسن علی بن محمد، الاحکام السلطانیة الولايات الدینیة، دارالکتب العلمیة، قاهره، ۱۹۶۶.
۱۵. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار الجامعه فی اخبار الائمه، جلد ۲۳، دارالاحیاء التراث العربی بیروت، ۱۴۰۳ هـ چاپ سوم.
۱۶. مغنیه، محمد جواد، الفقه علی المذاهب الخمسه، باب الاجاره، جلد ۴، دارالعلم، بیروت، ۱۹۶۵ م.
۱۷. منوچهریان، مهرانگیز، نابرابری‌های حقوقی زن و مرد در ایران و راه اصلاح آن، انتشارات اتحادیه زنان حقوقدانان ایران، تهران، ۱۳۴۲ ش، چاپ اول.
۱۸. مهرپور، حسین، مباحثی از حقوق زن، انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۹ ش، چاپ اول.
۱۹. میرخانی، عزت‌السادات، گستره وظایف زن در حقوق مدنی، فصلنامه شورای فرهنگی و اجتماعی زنان، شماره ۸، ۱۳۷۹ ش.
۲۰. هادوی تهرانی، مهدی، ضوابط شرعی اشتغال بانوان، ماهنامه پیام زن، سال ششم، شماره ۶، شهریور ۱۳۷۶ ش.

